



رنج محنت، گنج معنویت؛ مواجهه دوستان خدا با رنج و بلا

اهل معرفت در مقابل مصیبت‌ها و بلاها شکر می‌کنند و درمانده نمی‌شوند و در هنگام مصیبت‌ها آرامش دارند و دیگران را به آرامش دعوت می‌کنند.

اهل معرفت در مقابل مصیبت‌ها و بلاها شکر می‌کنند و درمانده نمی‌شوند و در هنگام مصیبت‌ها آرامش دارند و دیگران را به آرامش دعوت می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر نوشتاری از حجت الاسلام محمدجواد رودگر عضو هیأت علمی گروه عرفان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است که در ادامه می‌خوانید؛

در نظام توحیدی هیچ چیزی منهای «علم و اراده حق»؛ «مقدر و محقق نخواهد شد و همه علل و معالیل تحت تسخیر قدرت قاهره او هستند، پس آرامش یابیم تا آسایش پیدا کنیم و بر همه عوارض منفی درونی و بیرونی غلبه پیدا کنیم.

همه میدانیم که این خداست که دارد خدایی می‌کند، پس دانستن را به داشتن و دانایی را به دارایی بدل سازیم که بقول بزرگان حکمت و عرفان: «لاموثر فی الوجود الا الله»؛

بدانیم و بیابیم که زیست دینی غیر از زیست سیکولار است. در میادین آزمایش و عمل، به گونه ای نباشیم که در مقام اندیشه «دینی» و در مقام عمل «سکولار» باشیم. رفتارمان طرزی نباشد که در اعتقاد «الهی» و در اعمال «الحادی» باشیم. بگذاریم اعتقاد با اعمال و اندیشه با رفتار هماهنگ باشد و آنچه در دل است بر زبان جاری شود و آنچه بر زبان جاری می‌گردد از دل برآید و در دل یاری شود. همه ما دیدیم که در وحدت و هماهنگی دل و دیده، ذهن و زبان، اندیشه و رفتار یا بینش و کنش آرامش و آسایش بیشتر و بهتر قابل دریافت است، زیرا تجربه های دین شناسانه و دیندارانه زیادی پیش روی ماست و آن قدرتی که ابراهیم (ع) را از درون آتش و یوسف (ع) را از دل چاه و محمد (ص) را با تار عنکبوتی در غار ثور نجات داد، اکنون نیز هست و نسبت به همه چیز علیم و قدیر است. پس آرام باشیم که عالم تحت تدبیر حق تعالی است. بارها شنیدیم و گفتیم که هیچ برگگی از درخت بدون اجازه خدا به زمین نمی‌ریزد. اکنون زمان تجربه کردن و چشیدن آن شنیده ها و گفته هاست. خدای سبب ساز، سبب سوز هم هست و این تنها از خدای حکیم، عالم و قادر ساخته است و دیگر هیچ.

با مقدمه یاد شده، به سراغ نکاتی از آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»؛ «و در سروره»؛ «و در دو حدیث از «آدم اولیا الله» و سخنانی از «عالمان دینی» و «تربیت یافتگان»؛ «مکتب وحیانی می‌رویم.

خدای سبحان در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» که رنج را جز سرشت و سرنوشت انسان به شمار می‌آورد، سرنوشتی که در سه عالم رقم می‌خورد: ۱- عالم قبل از دنیا ۲- عالم دنیا

۳- عالم بعد از دنیا و رنج بنابراین تفاسیری متناظر به همه عوالم یاد شده حضور دارد و از انسان جدانشدنی است. این نکته را می‌توان به روشنی هم در کتب لغوی و هم در تفاسیر مشاهده کرد:

الف) لغت شناسان برای «کبد» دو معنا ذکر کرده اند: ۱- «کبد» به معنای رنج و مشقت ۲- «کبد» به معنای استواء و راست قامتی؛ «اینکه انسان در دل رنج و سختی آفریده شده، یعنی کامیابی های دنیوی آمیخته با رنج و زحمت است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: دنیا خانه ای است که با سختی ها عجین شده است. «دار بالبلاء محفوفه»

ب) برخی از مفسران نیز معانی ذیل را طرح کرده اند:

۱- «شبهه نیست که آدمی به انواع رنج و زحمت گرفتار است در ابتدا و انتها، از ظلمت رحم و ضیق آن، تولد و رضاع و فطام و معاش و تکالیف شرعی و موت و بعث و حساب و عقاب و غیر آن از سایر مصائب دنیا و شدائد

۲-“نزد بعضی مراد به کبد، شدت امر و نهی است. یعنی ما آدمی را خلق کردیم برای آنکه متعبد شده در عبادات شاقه تا بدانند که دنیا دار مشقت و محنت است و بهشت دار ریاض و نعمت”

۳-“حتی نگاهی به زندگی انبیا و اولیا الله نیز نشان می دهد که زندگی این گل‌های سرسبد آفرینش نیز با انواع ناملایمات و درد و رنج ها قرین بود، هنگامی که دنیا برای آنها چنین باشد، وضع برای دیگران روشن است.

بنابراین دنیا میدان رشد و رشد زاینده رنج است و انسان نیز برای پیمودن مراحل رشد وجودی باید با حوادث سخت و دشوار دست و پنجه نرم کند. همانگونه که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: ”درختهای کویر که آب نمی خورند، چوبشان محکم تر است از درختهایی که کنار جوی آب هستند” و شتر در کویر، مقاومتش از طاووس در باغ، بیشتر است. اکنون توجه و تدبیر در دو حدیث از احادیث معرفتی – معنوی، لازم است:

الف) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام: ”لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَهُ وَ أَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ وَ أَنَّ الصَّارَّ النَّافِعَ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ” (هیچ بنده ای مره ایمان را نمی چشد مگر آنکه یقین داشته باشد که آنچه به او می رسد امکان نداشت که نرسد؛ و آنچه از دست می دهد امکان نداشت که به او برسد؛ و اینکه ضررزننده و نفع رساننده تنها خداوند عزوجل است).

ب) امام علی علیه السلام: ”إِنَّكَ إِنْ صَبَرْتَ جَرَّتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَ أَنْتَ مَأْجُورٌ، وَ إِنْ جَزَعْتَ جَرَّتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَ أَنْتَ مَازُورٌ”. [شما را از برخی تقدیرها گریزی نیست] اگر صبری کنید، بلا بگذرد در حالی که اجر و پاداش صبر دارید و اگر ناله و بیتابی کنید، بلا بگذرد در حالی که ملامت شده و بی اجر خواهید بود.

معارفی از عالمان ربانی

از عالمان ربانی سخنانی سدید و کلماتی کامل به ارث رسیده که نتیجه ۱: -تحصیل و تحقیق ۲- تجربه و تدبیر است که با متن واقعیات زیست مومنانه در ارتباط تام و تمام است، نمونه هایی از آنها عبارتند از:

۱- تهذیب نفس در پرتو تفکر توحیدی

علامه طباطبایی (رض):”طریقه اختصاصی اسلام (برای تهذیب نفس) …در پرتو توحید خالص صورت می گیرد؛ زیرا هنگامی که انسان یقین پیدا کرد که هستی حقیقی ویژه خداست، خواهد دانست که مالک تمام وجود و هستی و آثار آن و پروردگار کلیه جهانیان، اوست و دیگران در برابر او مالک نفع و ضرر، مرگ و زندگی و یا زنده کردن نیستند. در این حال است که انسان جز آنچه را که خدا بخواهد، اراده نمی کند، و جز از آنکه خدا از آن کراهت دارد، متنفر نیست”.

۲- مهمترین کار انسان چه باید باشد؟

علامه حسن زاده آملی: ”سرمایه ی همه سعادت ها و اهم واجبات، ”معرفت نفس”؛ یعنی “خودشناسی” است؛ و آنکه خود را نشناخت، عاطل و باطل زیست و گوهر ذاتش را تباه کرد و برای همیشه بی بهره ماند. هیچ معرفتی، چون “معرفت نفس”، بکار انسان نمی آید. انسان کاری مهم تر از خود سازی ندارد و آن مبتنی بر “خودشناسی” است”.

بلا از نظر عالمان و بزرگان اهل معرفت

۱- علامه حسن زاده آملی: ”در نظام عالم، بلا دیدن و زجر کشیدن، ارزش آفرین است. کسی که نظام عالم را نمی داند و از نقش بلا و رنج در کسب کمال غافل است، بلایا را بد و منکر می داند، مانند بسیاری از مردم که بلافاصله در برابر مصائب زبان به شکوه می گشایند و توان تحمل مشقات را ندارند”.

۲- آیه الله علی سعادت پرور (پهلوانی) در توصیه ای نوشته اند: ”تصدقت شوم! ابتلائی که برای بشر پیش می آید، اکثراً برای آن است که متوجه حضرت حق بشود و از غفلت، خارج شود، و متوجه منبع فیض گردد. و ابتلائی که

برای سالک پیش می آید، ابتدا برای همان معنی است و پس از آن، برای آن است که منقطع از عالم و خود گردد تا هر روز منزلی را پس از منزلی سیر نماید. پس باید این ابتلائات را که برای هر کس- به خصوص برای سالک- پیش می آید، از الطاف و عنایات حضرت حق نسبت به بنده اش دانست.

۳- حاج اسماعیل دولابی از خوبان و عالمان اهل معرفت بود. ایشان می گفت: خداوند متعال برای اینکه انسان ها را در دنیا جذب کند، سه شاخص دارد: ۱- تار خدا، ۲- تور خدا، ۳- تیر خدا.

۱- تار خدا:

تار خدا، صداها و نغمه های زیبا و ملکوتی است که خداوند متعال برای جذب انسان ها خلق کرده است. تلاوت زیبای قرآن، صدای زیبای مداحی، صدای زیبای دعا و مناجات، قلب انسان را صیقل و جلا می دهد.

۲- تور خدا:

تور خدا، آن مناسبت هائی است که خداوند برای جذب انسان پهن می کند، مانند، ماه رجب، ماه مبارک رمضان، شب های قدر، دوست خوب، همسر خوب، فرزند خوب، همسایه خوب، کتاب خوب، مجلس خوب. این مفاهیم تورهای خدا هستند که انسان ها در این تور خدا گرد هم می آیند و مشتری برای خدا می شوند، انسان ها وقتی که در ماه محرم در مساجد حضور پیدا می کنند، در این محافل انسان جذب خدا می شود، اینها تورهای خداست که خداوند متعال برای خودش مشتری جذب می کند.

۳- تیر خدا:

تیر خدا، بلاهایی است که از جانب خدا نشانه گیری شده است، در این بلاها خداوند دقیقاً نشانه گرفته است و این گونه نیست که خداوند تیری در تاریکی رها کرده و به یک نفر اصابت کرده است، اصلاً این گونه نیست، به همین دلیل است که در فرهنگ قرآنی، در سوره مبارکه بقره، آیات شریفه ۱۵۵ و ۱۵۶ خداوند می فرماید: «وَلَا يَسْتَوِي السَّابِقُونَ وَالْمُتَّبِعُونَ إِذَا صَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا هَذَا الَّذِي صَابَتْنَا مِنْ قَبْلُ»؛ یعنی تیری که اصابت کرده است، دقیقاً نشانه گیری شده است. مثال، شکارچی وقتی به شکار می رود، شغال، گرگ و کفتار را نشانه گیری نمی کند، بلکه آهو را نشانه می گیرد.

خداوند متعال با خلق انسان بلا را در این عالم برای او فرستاده است. خداوند متعال می توانست عالمی را خلق کند که بلائی در آن نباشد و یا رنجی در آن نباشد، خداوند متعال عالم را با همین بلاها و مصیبت ها آفرید، اما عالم ملائکه و عالم بهشت را بدون بلا و مصیبت آفرید و کاملاً حکیمانه است، این بلاها ازسوی خداوند ایزاری برای ابتلاء و امتحان انسان هاست.

در قرآن کریم به بلای حضرت یوسف (ع)، بلای حضرت ایوب (ع)، بلای حضرت یونس (ع) و بلای حضرت یعقوب (ع) اشاره می کند.

خداوند در سوره مبارکه یوسف آیه شریفه ۱۸ می فرماید: «وَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ»؛ من صبر خواهم کرد، صبری جمیل و زیبا، من از خدا در برابر آنچه شما می گوئید، یاری می طلبم، هرگز سخنی که نشانه ناشکری و جزع و فزع باشد، بر زبان جاری نکرد.

امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده می فرماید: «خدا یا، شکر من را بر بلاها و مصیبت ها بیش از شکر بر نعمت ها قرار بده اللهم اجعل شکرًا».

اهل کرامت و اهل معرفت برای این مصیبت ها و بلاها شکر گزاری می کردند، انسان های عادی هنر کنند، صبر می کنند و هنر می کنند که کفر نگویند.

تیر خدا همان بلاهاست، عالمان و خوبان اهل معرفت و عرفان، اگر مدتی دچار بلا نمی شدند، می ترسیدند، که نکند مشکلی داریم و خداوند ما را نمی بیند، این تیر و مصیبت و بلا از جانب خداوند برای ما نیامد.

شیخ بهایی در یکی از شعرهایش، بسیار زیبا می گوید:

شد دلم آسوده، چون تیرم زدی
ای سرت گرم، چرا دیرم زدی

اهل معرفت در مقابل مصیبت ها و بلاها شکر می کنند و درمانده نمی شوند و در هنگام مصیبت ها آرامش دارند، مضطرب نمی شوند، نمی بُرند، صحنه را خالی نمی کنند، دیگران را به آرامش دعوت می کنند؛